

اناناس تنها



ISBN 978-9936-8077-9-2



9 789936 807792

نوشته و نقاشی: پاترشیا دالی اویی
ترجمه: نوید صدیقی

بہ نام خداوند بخشنده مهربان

مجموعه‌ی داستان‌های خارجی
زیر نظر ذبیح مهدی
شماره‌ی مسلسل: ۱/۶۵/۸۷

اناناس تنها

نوشته و نقاشی: پاترشیا دالی اویی
ترجمه: نوید صدیقی

بنگاه نشر کھوار

مجموعه داستان‌های خارجی



۱۴۰۲

نام کتاب: اناناسِ تنها
نوشته و نقاشی: پاترشیا دالی اویی
ترجمه: نوید صدیقی
ویرایش: وحید مهرداد
طراح و صفحه‌آرا: تقی وحید
ناشر: گهواره
شماره‌ی مسلسل: ۱/۶۵/۸۷
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲
وبسایت: www.gahwara.org
ایمیل: info@gahwara.org
فیسبوک: fb.com/gahwaragroup
انستاگرام: gahwara_original_page
تویتر: GahwaraG



© حق چاپ برای گهواره
محفوظ است.



گروه گهواره

www.gahwara.org | info@gahwara.org



گهواره

هیأت دبیران:

آرزو آریاپور، ذبیح حیدری، ذبیح مهدی،
فرشته مهدی، محمدحسن تولقین،
مهدی نایاب، ندا فرحت، نوید صدیقی

سردبیر: نوید صدیقی

ناظر کیفی: مهدی نایاب

سخنی با بزرگسالان

گهواره توسط جمعی نقاش، نویسنده و مترجم، ویراستار و صفحه‌آرا به منظور تألیف و ترجمه‌ی کتاب برای کودکان افغانستان تأسیس شده است. دست‌اندرکارانِ گهواره تا به حال کتاب‌هایی را به زبان‌های فارسی، پشتو و اوزبیک‌ی تألیف و یا از زبان‌های ترکی، اردو، دنمارکی، انگلیسی، جاپانی، روسی، آلمانی و فرانسوی ترجمه و برای چاپ آماده کرده‌اند. این نهاد سعی دارد تا با ارایه‌ی کتاب‌های جذاب در قالبِ داستان، شعر و سرگرمی برای کودکان، ارزش‌های پسندیده و عام بشری را در ذهن آن‌ها نهادینه سازد. تلاشِ گهواره بر این است تا کودکان افغانستان که در بیرون از کشور به دنیا آمده‌اند، یا در کودکی به خارج رفته‌اند، پیوند خود را با مادران‌شان از راه سخن گفتن به زبان مادری حفظ کنند و از همین راه رابطه‌ی خویش را با مادرمیهن پایا و پویا نگهدارند.

آرزومندیم که در این راستا مادرها و پدرها همکاری مان کنند و امیدواریم این کتاب‌ها را به دسترس کودکان‌شان قرار دهند و با آن‌ها یا برای آن‌ها بخوانند.



نام این اناناس پیتر است. او در دکان
میوه‌فروشی تنها مانده است.

مردم تمام اناناس‌ها را خریده‌اند. ولی
پیتر در سبد اناناس‌ها تنها مانده است.

پیتر با خودش می‌گوید:

- کاملاً تنها هستم.

در دکان میوه‌فروشی میوه‌های زیادی
وجود دارد. توت‌زمینی، کیله، سیب، مالته
و انگور را می‌شد در دیگر سبدها دید.

میوه‌ها با هم به بسیار خوشحالی بازی
می‌کردند.



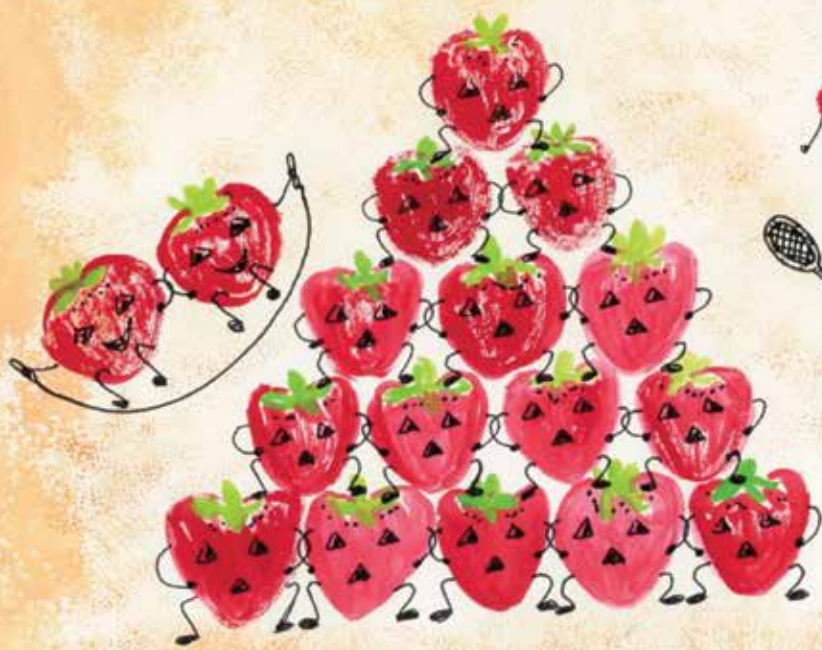


پیتر خیلی آرام به توت زمینی گفت:

- می تائُم همراهی تان بازی کنم؟

توت های زمینی جواب دادند:

- نی، نمی تانی! تو اناناس استی و ما توت زمینی استیم.





پیتر از کیله‌ها پرسید:

- می‌تائُم همراهی‌تان بازی کنم؟

کیله‌ها هم گفتند:

- نی، نمی‌تانی! تو اناناس استی و ما کیله استیم.





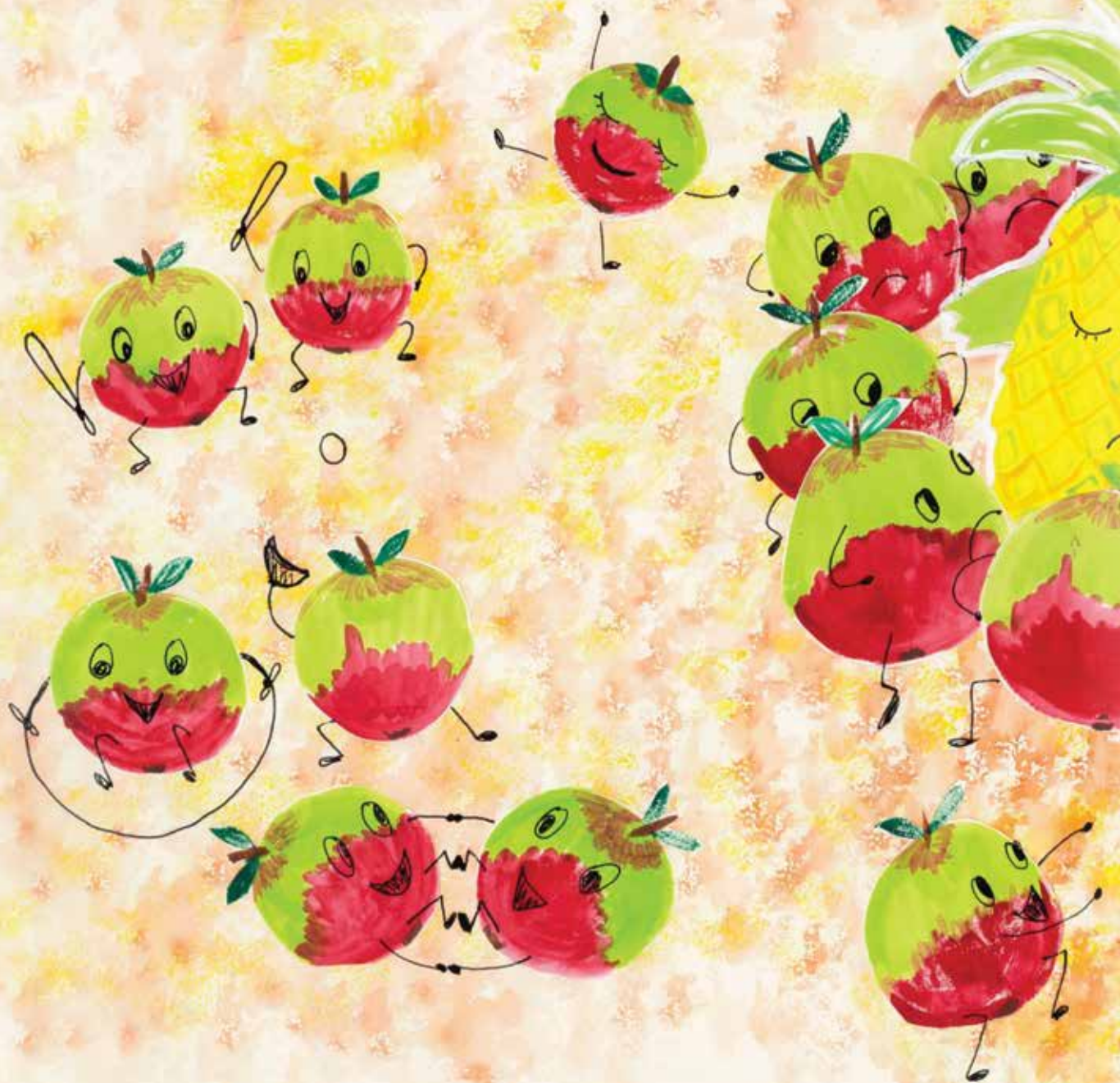
پیتر همین طور از سیب‌ها هم پرسید:

- میتائُم همراهی شما بازی کنم؟

ولی سیب‌ها هم جواب دادند:

- نی نی! نمی‌تانی با ما بازی کنی. تو

اناناس استی و ما سیب استیم.





پیتر از مالت‌ها پرسید:

- می‌تائُم همراهی‌تان بازی کنم؟

مالت‌ها هم به پیتر جواب داد:

- نی، نی! نمی‌تانی با ما بازی کنی.

تو اناناس استی و ما مالت‌ها هستیم.







پیتر از انگورها پرسید:

- می تائُم همراهی تان بازی کنم؟

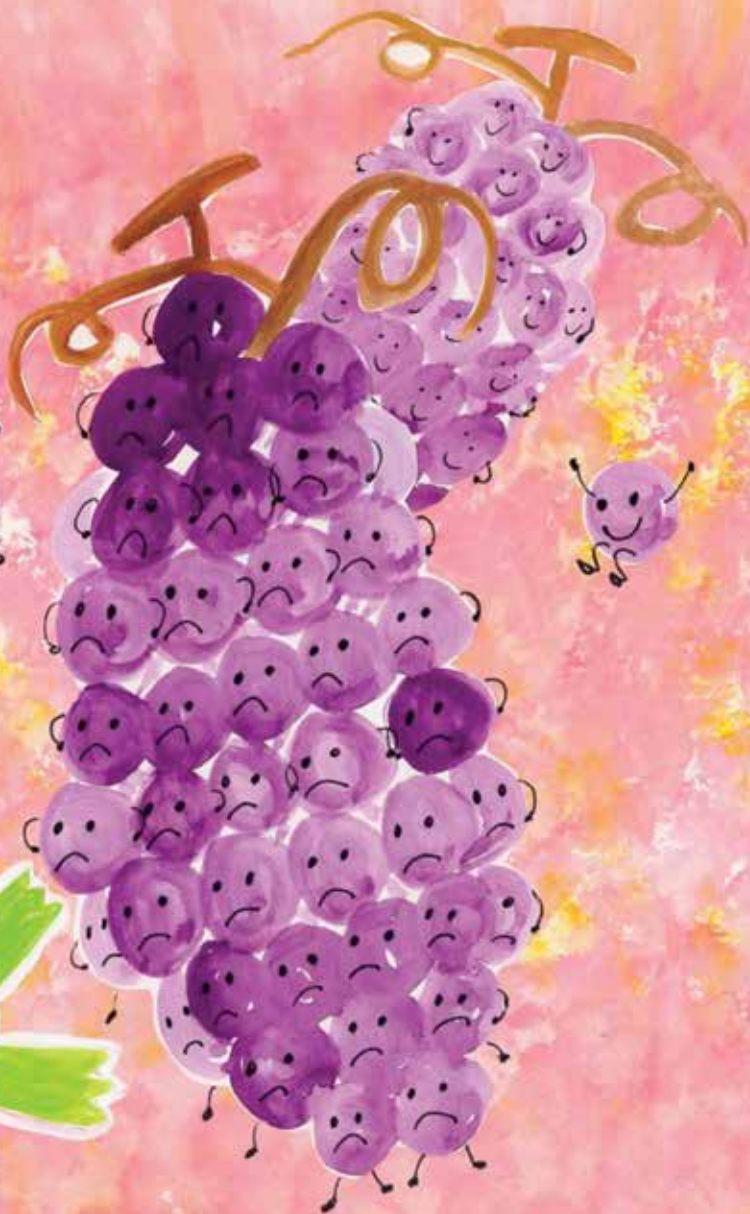
انگورها هم گفتند:


- نی، نی، نمی تانی با ما بازی کنی. تو اناناس
استی و ما انگور استیم.

پیتر خیلی ناراحت بود.

پیش خودش می گفت:

- بسیار تنها استم. مه به یک دوست نیاز دارم.



A colorful illustration on the left side of the page. At the top, a slice of watermelon is shown with a green rind and a yellow-orange flesh. Below it, several strawberries are depicted with red bodies and green leaves. The background of the illustration is a soft, yellowish glow.

پسانترهای همان روز خانم جونس به دکان
میوه فروشی آمد و می خواست خرید کند.

خانم جونس وقتی پیتر را دید، گفت:

- آها چه اناناس قشنگی!

او پیتر را برداشت و خرید.

توت زمینی‌ها، کیله‌ها، سیب‌ها، مالته‌ها و

انگورها همه صدا زدند:

- ما هم خوش مزه استیم. لطفاً ما ره هم بخر!

اما خانم جونس فقط اناناس را خرید.

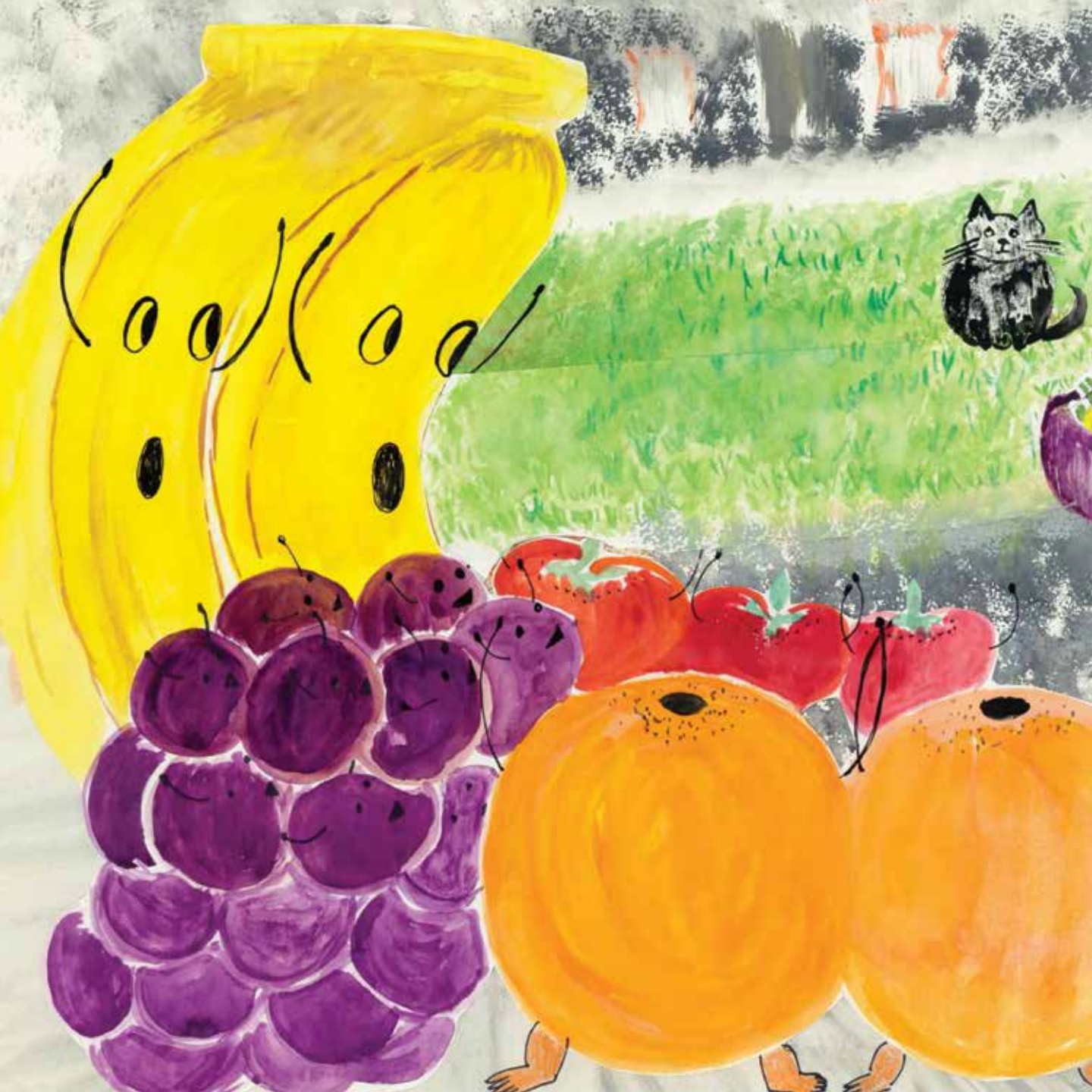




خانم جونس پیتر را در خریده‌ی خودش
انداخت و می‌خواست برود که میوه‌ها
صدا زدند و پرسیدند:

- کجا میری؟ کجا میری؟

میوه‌های دیگر پیتر را در خیابان می‌دیدند
که با خانم جونس بطرف خانه می‌رود.





پیتر یک قاب میوه را روی میز خانه‌ی خانم
جونس دید.

قاب پر از میوه‌های رنگارنگ بود و آن‌ها با
هم به خوشحالی بازی می‌کردند.

پیتر از آن‌ها پرسید:

- می‌تانم همراهی‌تان بازی کنم؟

- بلی، بلی! البته که می‌تانی. بیا که بازی
کنیم. بیا با هم دوست باشیم.





پیتر در وسط قاب میوه پرید و گفت:

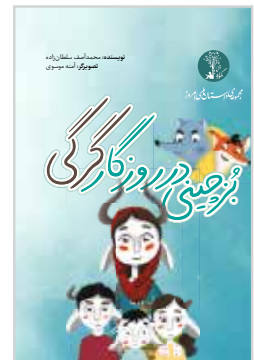
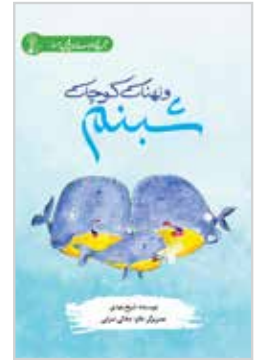
- مه بسیار خوش استم. حالی بسیار دوستای
زیاد دارم.

و بعد پیتر صدای خیلی نازکی را شنید که از
بیرون ارسی می آمد و می گفت:

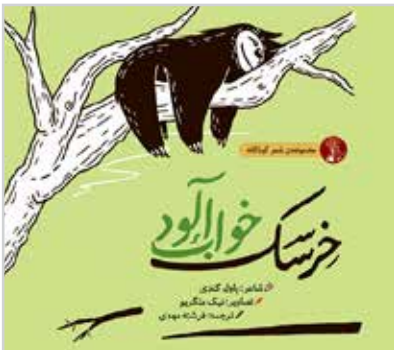
- ما هم می تانیم همراهی تان بازی کنیم؟



کتاب‌های دیگر گهواره



کتاب‌های دیگر گهواره



مجموعه داستان‌های خارجی



گروه‌های سینی گهواره

گروه الف: آمادگی و صنف اول

گروه ب: صنف‌های دوم و سوم

گروه ج: صنف‌های چهارم، پنجم و ششم

گروه د: صنف‌های هفتم، هشتم و نهم

گروه ز: صنف‌های دهم، یازدهم و دوازدهم



گروه گهواره

www.gahwara.org | info@gahwara.org